خبر

مدیرکل آژانس:

به‌زودی به تهران خواهم رفت

● رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، در گفت‌وگو با بلومبرگ گفت امیدوار است به‌زودی بتواند با سران ایران برای حل اختلافات درخصوص بازرسی‌های آژانس که از نظر او در شرایط حساس و شکننده‌ای قرار دارد، گفت‌وگو کند. گروسی درباره اینکه چه زمانی قصد سفر مجدد به تهران را دارد، تصریح کرد: «من امیدوارم بتوانم در روزهای آینده به ایران بروم. ما در ماه سپتامبر توافق کردیم که من به ایران بازگردم. آن زمان گفت‌وگوهای فنی داشتیم، اما واضح است که این یک موضوع گسترده است که علاوه‌بر جنبه فنی، دارای موضوعات عمیق سیاسی نیز هست که می‌بایست درباره آنها بحث و رایزنی کنیم تا به یک فهم مشترک برسیم». او افزود: «همان‌طور که می‌دانید، یک دولت جدید در ایران روی کار آمده است. این دولت برآمده از گروهی است که دیدگاه‌های سرسختانه‌تری درخصوص برنامه هسته‌ای و همکاری با سازمان‌های بین‌المللی ازجمله آژانس دارند، در نتیجه ما باید با یکدیگر هماهنگ شویم، همان‌طور که در هر رابطه دیگری باید این اتفاق بیفتد، اما من هنوز فرصت آن را نداشته‌ام بنابراین به ایران بازمی‌گردم». رئیس دیده‌بان هسته‌ای سازمان ملل در ادامه تأکید کرد که به‌زودی به ایران سفر خواهد کرد. رافائل گروسی در پاسخ به اینکه در ایران با چه کسانی دیدار خواهد داشت، اظهار کرد: «این به آنها بستگی دارد. البته دیدارهای ما در سطح بالای مقامات سیاسی خواهد بود، همچون وزیر امور خارجه.» وی در پاسخ به این سؤال که آیا با رئیس‌جمهور ایران هم ملاقات خواهد داشت، گفت: «البته اگر او لطف کند با من دیدار کند». مدیرکل آژانس در پاسخ به پرسشی درباره تفاوت دولت جدید ایران و تیم روحانی خاطرنشان کرد: «مشخص است که آنها روی کار آمده‌اند و این موضوعی محرمانه نیست که نسبت به موضوعات زیادی ازجمله برجام دیدگاه انتقادی دارند. آنها به‌طور کلی رویکردی متفاوت دارند. البته من فکر می‌کنم هنوز این دیدگاه در هر دو طرف، یعنی اعضای ۵+۱یا همان اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل به‌علاوه آلمان، تحت هماهنگی اتحادیه اروپا و در طرف دیگر ایران، تأکید می‌کنم «هنوز»، وجود دارد که به مذاکرات قبلی بازگردند. آژانس اتمی نیز در این میان نقش تضمین‌کننده را ایفا می‌کند. ما نظارت و بازرسی‌ها را انجام می‌دهیم».

نگاهی به رفتار دستگاه سیاست خارجی دولت رئیسی در قبال روندها و تحولات منطقه و بین‌الملل

امیرعبداللهیان و دیپلماسی فال و تماشا

روح‌الله نخعی: این روزها، روزهای خوبی برای منافع بین‌المللی ایران نیست. ایران از شمال، جنوب، شرق و غرب و فراتر از آن، با چالش‌های متعدد دیپلماتیک و بین‌المللی مواجه است. در شرق ایران، یک گروه تروریستی باسابقه جنایت‌های گسترده و ریختن خون ایرانیان، با زور اسلحه قدرت را به دست گرفته است. گروه تروریستی طالبان، یا چنان که پیش‌بینی می‌شود در کنترل افغانستان ناکام خواهد بود و همسایه شرقی را جولانگاه آشوب و فعالیت دیگر گروه‌های تروریستی خواهد کرد، یا در نهایت بر قلمرو افغانستان سلطه خواهد یافت و ایران به‌عنوان کشوری با جمعیت کثیر شیعه و سبک زندگی نامطلوب برای طالبانیان، دولتی افراط‌گرا و خون‌ریز را در همسایگی خود خواهد دید که در چارچوب نظری‌اش، خون قریب‌به‌اتفاق ایرانیان مباح خواهد بود. وضعیتی که برای پیشگیری از آن در غرب ایران، چه جان‌ها که فدا نشد و چه هزینه‌ها که نشد، حالا به‌سادگی و بدون مزاحمت در شرق ایران در حال شکل‌گیری است. در غرب، شمال غربی و جنوب ایران، کشورها یکی‌یکی در حال عادی‌سازی و گسترش روابط با اسرائیلی هستند که همین حالا در همکاری‌اش با ترکیه و جمهوری آذربایجان، چالش‌آفرینی برای ایران را کلید زده است. از میان کشورهای عرب منطقه، عربستان سعودی فعلا تنها قدرتی است که وارد این بازی نشده و البته دست بر قضا عربستان خود به‌تنهایی و بدون همکاری با اسرائیل نیز جدی‌ترین رقیب ایران در منطقه بوده است.

علاوه بر اینها، سه پروژه با پتانسیل حل این مشکلات روی میز دستگاه سیاست خارجی هستند که دست بر قضا در حل چالش‌های فوق‌الذکر هم بسیار مؤثر خواهند بود. پروژه گفت‌وگو به سمت مصالحه ایران با عربستان می‌تواند بخش مهمی از چالش‌های منطقه‌ای ایران را حل کند. از طرف دیگر، تلاش‌های بغداد برای رفع بحران‌های منطقه‌ای، منجر به کلیدخوردن پروژه‌ای در قالب نشست بغداد شده است. عراق به دلیل تهدیدهایی که از اختلاف‌ها در منطقه متوجه خود می‌بیند، در امتحان‌کردن شانس خود برای رفع آنها مصمم است و بلکه بسیاری از دیگر بازیگران منطقه مانند عراق آرزومند شکل‌گیری صلح یا لااقل مصالحه در منطقه هستند تا شاید سرانجام سایه درگیری در خاورمیانه را از سر خود دور ببینند. بالاخره، آنچه شاید مهم‌ترین پرونده دستگاه سیاست خارجی ایران در قرن حاضر میلادی بوده و پتانسیل تأثیرگذاری بر تمامی مسائل بین‌المللی ما را دارد، پرونده احیای برجام، بازگشت طرف‌ها به تعهدات توافق هسته‌ای و رفع تحریم حاصل از این توافق، طبق همه روایات در آستانه رسیدن به نتیجه به دولت جدید تحویل داده شده است.

در شرایط عادی، مدت‌زمانی که از تشکیل دولت سیدابراهیم رئیسی گذشته است، بازه‌ای نیست که کسی در آن انتظار معجزه داشته باشد، اما از طرفی، بخش عمده این مسائل، موضوعاتی بوده‌اند که از پیش از انتخابات در جریان بوده‌اند و حتی وعده‌های انتخاباتی درباره آنها داده شده است و از طرفی، شدت اهمیت آنها و تهدیدی که برای منافع، امنیت، اقتصاد و تعاملات ایران دارند، کم‌وبیش مانند مسئله شیوع بیماری کرونا، فوریتی به این مسائل می‌دهد که چندان برای «ماه‌عسل» سیاسی مرسوم بعد از انتخابات موضوعیتی باقی نمی‌گذارد. موضوع این نیست که دولت بلافاصله همه این مسائل را به نفع ایران رفع و رجوع نکرده است، اما رفتار و عملکرد دستگاه سیاست خارجی در این مدت، نشانه‌ای از حرکت به سمت مطلوب را نیز ارسال نمی‌کند.

واکنش دستگاه دیپلماسی در مقابل این روندهای بالقوه و بالفعل چه بوده است؟ ابهام و انفعال. حسین امیرعبداللهیان در مدتی که وزارت خارجه را در اختیار داشته، فرصت چندین و چند دیدار و تعامل دو و چندجانبه را داشته است. وزارت خارجه او اما تا امروز نه در جهت کنترل و مهار چالش‌های اسرائیلی و طالبانی در اطراف ایران گامی برداشته است و نه در جهت پیشبرد پروژه‌هایی مثل مذاکرات عربستان، وین و بغداد، بلکه فضا برای تحرکات به ضرر ایران باز مانده و گاهی اظهارنظرها و اقدامات وزیر خارجه در جهت عکس نیز اثر گذاشته است.

در مسئله طالبان، وزارت خارجه امیرعبداللهیان و دولت رئیسی، موضعی بیات را تکرار می‌کنند که از موضوعیت افتاده است. پاسخ تکراری سخنگوی وزارت خارجه، تأکید بر حمایت از مردم افغانستان، لزوم رعایت قانون و حقوق مردم، اهمیت گفت‌وگو بین همه طرف‌ها و شکل‌گیری دولتی فراگیر بوده است؛ در شرایطی که در مدت زمان تأکید ایران بر این مواضع، مردم افغانستان به نوبت به دست طالبان یا داعش کشته می‌شوند، دولت قانونی افغانستان کنار زده شده و وارث قانونی آن از کابل بیرون رانده شده و در پنجشیر مستقر شده است، حقوق اقلیت‌های مذهبی، زنان، اهالی سیاست و رسانه و هرکس طالبانی نباشد، حتی در حد حق حیات نیز اهمیتی برای حاکمان اجباری جدید ندارد، به‌جز طالبان تنها «طرف» دیگری که هنوز در صحنه افغانستان حضور فعال دارد تا بتواند در گفت‌وگویی بین همه «طرف‌ها» حضور پیدا کند، جبهه مقاومت پنجشیر است که در میانه آتش حملات طالبان نمی‌تواند صدای خود را برای گفت‌وگو به گوش کسی برساند و طالبان نیز دولت خود را بدون دغدغه فراگیری اعلام کرده است. ایران در مقابل، تعامل جدی و مؤثری نه با تنها مانع جدی تسلط طالبان بر سراسر کشور، یعنی جبهه مقاومت پنجشیر داشته است و نه با دیگر بازیگران مؤثر در جهت کنترل این پایگاه جدید نفرت و خشونت در منطقه و نه حتی تلاشی درخور توجه برای همکاری با همسایگان افغانستان برای مدیریت بحران پیش‌روی پناه‌جویان و مهاجران.

در شمال غرب، جمهوری آذربایجان و ترکیه، دست در دست اسرائیل، مسیرهای ترانزیتی بسیار مهم برای ایران را مسدود و راه‌های ارتباطی ایران را قطع می‌کنند، به بهانه جنگ با ارمنستان، تروریست‌ها و مزدوران مسلح را به نزدیکی مرزهای ایران می‌آورند و از مانور نظامی در مرز و ایجاد تهدیدهای امنیتی در مرزهای ایران نیز ابایی ندارند. رابطه نسبتا مثبتی که ایران با جمهوری آذربایجان، ترکیه، ارمنستان و روسیه داشته است و دیگر اهرم‌های بازدارنده ایران، به صحنه کنترل این چالش وارد نشده‌اند و تنها نیروهای نظامی ایران در نزدیکی مرزها، رزمایشی متقابل برگزار کرده‌اند. سفارت ایران در باکو، حتی استدلال جمهوری آذربایجان را در بستن راه کامیون‌داران ایران مسموع می‌خواند و حق را به این کشور می‌دهد؛ بدون آنکه به همه سوابق این پرونده و حتی این حقیقت توجهی کند که جمهوری آذربایجان دهه‌هاست از مسیر مشابهی از درون خاک ایران به رایگان بهره‌مند بوده است. این موضوع در نهایت به بهترین نمود پروژه‌ای علیه ایران تبدیل شده است که خطری بلندمدت و عمیق برای کشور را نمایان می‌کند: تلاش برای دورزدن ایران و حذف جایگاه آن از مسیرهای تجارت بین‌الملل؛ جایگاهی که بازگرداندنش به‌مراتب سخت‌تر از حفظ آن خواهد بود.

پروژه عربستان سعودی البته ماهیتی غیرعلنی دارد و تنها چیزی که قابل مشاهده است، فقدان پیشرفت است. بااین‌حال، در پروژه دیگری که نزدیک به آن موضوع است، همین هدردادن فرصت مشاهده شده است. بعد از ماه‌ها تلاش نخست‌وزیر عراق برای برگزاری نشستی در راستای مصالحه در منطقه، خودداری وزیر خارجه از رعایت نحوه چینش تعیین‌شده برای عکس دسته‌جمعی میهمانان خبرساز می‌شود. امیرعبداللهیان اما در پاسخ به سؤالات دراین‌باره می‌گوید در جایی ایستاده که جایگاه واقعی ایران بود. سؤال اینجاست که مگر اساسا این نشست برای عبور از اختلاف‌ها و نگاه‌های منفی به یکدیگر در منطقه نبود؟ وزیر خارجه با ارسال این پیام که نماینده ایران حتی در حد ترتیب ایستادن در یک عکس نیز حاضر نیست از ترجیحات و برتردانستن خود نسبت به دیگران در منطقه بگذرد، چه پیامی به حضار می‌دهد؟ آن‌هم وزیر خارجه‌ای که سابقه‌اش برای اهالی منطقه این تصویر را ایجاد کرده که او نگاهی منفی و تقابلی به دولت‌های عرب منطقه دارد.

در موضوع نفوذ اسرائیل در همسایگان ایران، دستگاه سیاست خارجی ایران از نیاز به تعامل مثبت با همسایگان در جهت خنثی‌سازی پروژه‌ها علیه ایران غافل بوده است. دولت جدید نه عجله‌ای در این زمینه از خود نشان می‌دهد و نه حتی توجه چندانی؛ جز هشدارهای کلامی هرازگاه و محکومیت این تعامل‌ها از سوی سخنگوی وزارت خارجه که تا امروز تأثیری در رفتار رقبای ایران نداشته است. البته بزرگ‌ترین پروژه روی میز وزیر خارجه که بر همه این مسائل تأثیرگذاری جدی خواهد داشت، بدترین وضعیت را داشته است.

وضعیت مذاکرات احیای برجام تا پایان دور ششم گفت‌وگوهای وین عملا به رازی سفید تبدیل شده است؛ همه می‌دانند که این گفت‌وگوها تا آخرین گام پیش رفته بود و به تأکید مکرر نمایندگان ایران و دیگران حاضر در این روند، به مرحله تصمیم نهایی رسیده بود تا جایی که بسیاری گمانه‌زنی می‌کردند که دولت رئیسی بعد از ورود و با برگزاری یکی، دو جلسه می‌تواند به‌سادگی گام آخر را بردارد، چالش هسته‌ای و تحریمی را بعد از چندین و چند سال خاتمه دهد و هم بار فشارهای اقتصادی و معیشتی ناشی از آن را از روی دوش مردم بردارد و هم سایه بزرگ این چالش را سرانجام از سر ایران کم کند و فرصت‌های متعددی را که پشت دیوار آن مانده‌اند، برای خود و ایران دسترسی‌پذیر کند. در عمل اما رفتار دولت جدید در این زمینه وقت‌کشی به نفع رقیب بوده است. در دولت رئیسی، حتی تا هفته‌ها مشخص نشده بود آیا وزارت خارجه متولی برجام باقی می‌ماند یا مانند دولت‌های پیش از دولت حسن روحانی، کار به شورای عالی امنیت ملی کشور محول خواهد شد. تنها چند روزی است که به نظر می‌رسد برنامه‌ای برای گرفتن کار از وزارت خارجه در کار نیست و البته هنوز هم تکلیف تیم مذاکره‌کننده ایران به‌طور دقیق مشخص نشده است. درحالی‌که همه طرف‌ها از روسیه تا آمریکا از ایران می‌خواهند زودتر به میز مذاکره برگردد، ایران همچنان کار را به روزی نامعلوم، «به‌زودی»، در آینده موکول می‌کند و در عین حال، امیرعبداللهیان در سفر نیویورک به مخاطبی نامعلوم هشدار می‌دهد که «پنجره این فرصت برای همیشه باز نخواهد بود»؛ تاجایی‌که نماینده روسیه که در تمام دوران پس از خروج آمریکا از برجام حامی مواضع ایران بوده، لب به گلایه بگشاید و در پاسخ به این سخن که ایران در حال بررسی متن فعلی حاصل از گفت‌وگوهاست، بپرسد مگر این بررسی را نمی‌شود پای میز مذاکره و با حضور طرف‌هایی که کار را تا اینجا پیش برده‌اند، انجام داد؟ اسرائیل، تعاملات خود برای تخریب فرصت برجام را به حداکثر رسانده و کار به بررسی «نقشه دوم» و «گزینه‌های روی میز» در صورت ناکامی توافق رسیده است، اما نهایت کنش ایران مطرح‌کردن گفت‌وگو در بروکسل با اتحادیه اروپا بوده که آن هم بعد از روزها صحبت مقامات ایران دراین‌باره و البته حتی واکنش منفی روسیه به آن، با انکار و رد مقامات اتحادیه اروپا مواجه می‌شود. هنوز کسی به‌طور قطعی نمی‌داند دولت رئیسی اساسا احیای برجام را مطلوب می‌داند یا طبق تصویری که جریان اصولگرا در سال‌های پیش از انتخابات ارائه داده بود، مخالف این توافق است.

در چنین شرایطی، تک‌مضراب مواضع امیرعبداللهیان در گفت‌وگوهای بین‌المللی، تبیین و تأکید بر تفاوت این دولت با دولت قبلی است. حامیان این دولت در پاسخ به انتقادها با موضع‌گیری‌هایی مثل «تشکیل تیپ اصلاحیون» برای حمایت از جبهه مقاومت پنجشیر، موضوع را به مسخره گرفته‌اند. رسانه‌های این جریان نیز هنوز دنبال آتوگرفتن از حرف‌های وزیر خارجه سابق درباره برجام‌اند. به نظر می‌رسد اصولگرایان درنیافته‌اند که از جایگاه منتقد دولت بیرون آمده‌اند و دوران شعارها و کنایه‌هایشان گذشته است. کار در اختیار آنهاست و جدل آنها با اصلاح‌طلبان و دیگر منتقدان دردی از مردم ایران دوا نمی‌کند. جریان اصولگرا بعد از مدت‌ها چالش با دولت روحانی بر سر اینکه محمدجواد ظریف و تیمش راه درست رسیدگی به مسائل را نمی‌دانند و بعد از مدت‌ها تلاش و رقابت از هر مسیر ممکن، حالا قدرت را به دست گرفته است، اما هنوز درنیافته که به هر طریق، اکنون منافع ملی و امنیت ایران در اختیار این جریان است تا تلاش برای پیروزی کلامی در صحنه داخلی بر رقبا را کنار بگذارد و به کار مردم برسد.

این روزها، روزهای خوبی برای منافع بین‌المللی ایران نیست. طرف‌ها، رقبا، مخالفان و دشمنان روزبه‌روز پروژه‌های علیه ایران را بیشتر و بیشتر پیش می‌برند. اهرم‌های اثرگذاری و نقش‌آفرینی ایران از سوی آنها تضعیف می‌شود. فرصت‌ها محدود می‌شوند و از دست می‌روند. حتی دوستان ایران کم‌کم از به حرکت افتادن ماشین دیپلماسی ایران در دوران جدید ناامید می‌شوند، اما آنچه تا امروز از وزارت خارجه امیرعبداللهیان دیده شده، تنها تماشاگری است و سخن‌پروری.

عکس: مرضیه موسوی، ایرنا

ادامه از صفحه اول

راهکار عملی برای جلوگیری از صدور آرای اشتباه

نگارنده به‌عنوان مدرس درس آیین دادرسی همیشه با تشریح این ماده در کلاس درس با سؤالات عدیده و اشکالات مختلف از ناحیه دانشجویان روبه‌رو بوده و هستم. مثلا می‌پرسند مگر دیوان عالی کشور دادگاه است که حق داشته باشد رسیدگی مجدد- اعم از شکلی و ماهوی - به عمل بیاورد یا اینکه ریاست محترم قوه قضائیه با کدام علم لدنی می‌تواند کشف کند که در بایگانی فلان دادگاه حکم قطعی وجود دارد که مخالف بیّن شرع است، گفته می‌شود که ریاست محترم قوه قضائیه هیئتی را به جهت کشف موارد خلاف بیّن شرع تعیین می‌کنند. پرسش می‌شود مگر در همه استان‌ها قاضی مجتهد داریم که تشخیص خلاف بیّن شرع را قانونا دارا باشد یا اینکه این شعبات اختصاصی که مبیّنا باید همان موارد خلاف شرع را مورد رسیدگی قرار دهند، اجازه ندارد اگر مورد دیگری را هم دیدند، به آن توجه کنند و سر آخر چه لزومی دارد دیوان عالی کشور را تا سطح دادگاه عادی تنزل دهیم که می‌خواهیم راهی به دهی برای رسیدن تشخیص خلاف قضات باز کنیم، مگر قانون اساسی که مادر قوانین است، راه‌حل نظارت بر اجرای قوانین را که وظایف ذاتی رئیس محترم قوه قضائیه است، تعیین نکرده است. چرا قانون اساسی را اجرا نمی‌کنید. وقتی جناب آقای اژه‌ای به ریاست قوه قضائیه رسیدند و از من هم خواستند که اگر نقد و نظری راجع به دستگاه قضائی در جهت پیشبرد صحیح اجرای قوانین دارم، به اطلاع ایشان برسانم، در نامه مفصلی نوشتم شما اول حق خودتان را اعاده کنید، بعد حق مردم را و صراحتا درخواست کردم آزمون و خطا کافی است. بیایید نام نیکی از خود باقی گذاشته و قانون اساسی را اجرا کنید. در زمان گذشته تنها دو دانشکده حقوق در ایران، دانشجوی حقوق می‌پذیرفتند، دانشگاه تهران حدود ۲۰۰ دانشجو و دانشگاه ملی سابق - شهید بهشتی فعلی- حدود صد دانشجو و با همین تعداد که اگر بعد از چهار سال فارغ‌التحصیل می‌شدند، همه نیازهای حقوقی اعم از بخش قضائی، وکالتی، دفاتر اسناد رسمی، مشاوران حقوق به نحو احسن برطرف می‌شد و محاکم هم دومرحله‌ای بود؛ مرحله بدوی و مرحله تجدیدنظر که در این دو مرحله رسیدگی ماهیتی بود و مرحله فرجام که ناظر بر عملکرد قضات در محاکم بدوی و تجدیدنظر بود و به همین اعتبار در کل دوره‌ای که این روش بر نحوه رسیدگی قضائی حاکم بود، مواجه با احکام متقن، محکم و مستدل بودیم. قصه پرغصه احکام سست و خلاف شرع زمانی شروع شد که قضات محاکم بدوی و تجدیدنظر دیگر زیر تیغ نظارت قضات دیوان عالی کشور قرار نداشتند و می‌دانستند بارانداز پایانی آرایی که صادر می‌کنند، در همان استان بسته می‌شود و بعد از مدتی رویه قضائی حاکم بر نحوه تطبیق موضوع با قانون بومی‌سازی شد؛ مثلا استان کرمان این تفسیر را از موضوع دارد و استان اصفهان فلان تفسیر را و مرجعی نبوده و نیست که به رویه‌های متفاوت و مغایر و اغلب متناقض وحدت‌بخشی کند. سخن آخر اینکه جناب حجت‌الاسلام‌والمسلمین حاج آقا اژه‌ای همان‌گونه که در نامه به حضرت‌عالی نوشتم، برای نجات دادگستری از آرای سست و مهم‌تر از آن اعمال نظارت ریاست قوه بر آرای محاکم راه درست اصلاح قانون آیین دادرسی مدنی و کیفری را پیش بگیرید و با تهیه لایحه‌ای متناسب، دوباره دیوان عالی کشور را با توجه به بعد نظارتی از نظر شکلی اعاده بفرمایید تا نام شما هم‌ردیف بزرگان اصلاحگر قوه قضائیه وارد تاریخ شود؛ والا پنج سال یا ۱۰ سال دیگر رئیسی دیگر می‌آید و راه همین است که درست نیست.

ادامه از صفحه ۲

زدن گردن مسگر

مهم آن است که با مردم صادق باشیم و صداوسیما که به قول رهبر فقید انقلاب (ره) یک دانشگاه است، مشکلات را حسب ضرب‌المثل «گنه کرد در بلخ آهنگری/ به شوشتر زدند گردن مسگری» به مخالفان سیاسی خود نسبت ندهد و اگر لازم است مردم مقاومت کنند -که باید مقاومت کنند- حقیقت را عیان و روشن برای مردم بگوید.

بی‌پرده باید گفت تا هنگامی که حکمرانی در ایران ایدئولوژیک است، همسایگان تسلیم ایران نمی‌شوند بلکه کارگزار قدرتی می‌شوند که پایه‌های حکومت آنها را تقویت کند. انتظار از کشورهای وابسته به سلطه‌گران یا کشورهای تابع آن نوع ایدئولوژی که تکفیر ایران و ایرانی و شیعه در دستور کار آنان است، برای پیوند دوستی بیهوده است اما درعین‌حال به‌قول سعدی، چو جنگ‌آوری با کسی در ستیز/ که از وی گریزت بود یا گزیر.